

ابن تیمیه در باب عقاید عامی و امی است



دکتر دینانی نوشت: ابن تیمیه با همه کوشش و تیزهوشی که درباره مسائل کلامی از خود نشان می‌دهد به حکم اینکه با فلسفه دشمن و بیگانه است، از سخنان ناسازگار و کلمات ناهماهنگ پرهیز نکرده و در باب اصول عقاید تا سر حد یک عامی امی تنزل یافته است.

دکتر دینانی نوشت: ابن تیمیه با همه کوشش و تیزهوشی که درباره مسائل کلامی از خود نشان می‌دهد به حکم اینکه با فلسفه دشمن و بیگانه است، از سخنان ناسازگار و کلمات ناهماهنگ پرهیز نکرده و در باب اصول عقاید تا سر حد یک عامی امی تنزل یافته است.

به گزارش خبرگزاری مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی در شماره ۳۷ نشریه مهرنامه طی نقدی به عقاید حنابله و ابن تیمیه در باب تجسیم آن‌ها را به دشمنی با فلسفه متهم کرده و نوشته است: «ستیز با فلسفه و مخالفت با حکمت بیشتر به علت این است که اشخاص افتتاح فکر و تعالی اندیشه را با منافع عاجل و مصالح زودگذر خود در جریان حیات و زندگی روزمره ناسازگار می‌بینند. این جریان ماجرای گسترده را شامل می‌شود که به یک زمان خاص و دوره معین محدود نمی‌شود».

دینانی در ابتدای نقد خود تأکید می‌کند: «اشخاصی که در کتاب تکوینی خداوند جز به محسوسات توجه نمی‌کنند در کتاب تدوینی او نیز جمود بر ظواهر کرده و از این مرحله فراتر نخواهند رفت. جمود بر ظواهر در برخی اشخاص به اندازه‌ای است که حتی می‌تواند آنان را تا مرحله اعتقاد به جسمانیت حق تبارک و تعالی تنزل دهد. ابن تیمیه از اندیشمندان مشهور عالم اسلام است که در اثر مخالفت با فلسفه و جمود بر ظواهر به این وادی خطرناک وارد شده و مرئی بودن خداوند را پذیرفته است. او معتقد است موجود قائم به نفس، غیرقابل اشاره حسی و غیرقابل رویت وجود خارجی ندارد و بنابراین یک چنین موجودی ساخته و پرداخته ذهن بشر است».

ایشان با اشاره به اینکه «ابن تیمیه مرئی واقع شدن را علامت شدت هستی و کمال وجود دانسته و در این نظریه از برخی متکلمان اهل سنت پیروی کرده» اضافه می‌کند: «با وجود اینکه ابن تیمیه به جسمانی بودن حق تعالی اعتقاد دارد و برای اثبات جواز رویت او به دلیل وجود تمسک می‌کند، از اقرار صریح به جسمانی بودن خدا اجتناب می‌نماید. او نه تنها خودش از اقرار صریح به جسمانی بودن حق تبارک و تعالی تحاشی دارد بلکه همواره می‌کوشد حنبلی‌ها را نیز از اقول به تجسیم مبری کند».

به نظر استاد دینانی «ابن تیمیه به خوبی می‌داند که آنچه او درباره مسئله رویت بیان کرده مستلزم جسمانیت خداوند خواهد بودی ولی در عین حال نخواسته به جسمانی بودن حق تبارک و تعالی به طور صریح اعتراف کند.» و به همین دلیل است که «می‌گوید: درست است که در حدیث رویت خداوند مانند رویت خورشید و ماه معرفی شده ولی اساس این همانندی، تشبیه رویت به رویت است، نه مرئی به مرئی. ابن تیمیه در اینجا بین رویت و مرئی تفکیک قائل شده و معتقد است تشبیه و همانندی، تنها بین دو نوع رویت، صورت پذیرفته و تشبیه یک رویت به رویت دیگر، مستلزم این نیست که مرئی نیز با مرئی دیگر همانندی داشته باشد».

از نظر این استاد فلسفه دانشگاه تهران «ابن تیمیه با همه کوشش و تیزهوشی که درباره مسائل کلامی از خود نشان می‌دهد به حکم اینکه با فلسفه دشمن و بیگانه است، از سخنان ناسازگار و کلمات ناهماهنگ پرهیز نکرده و در باب اصول عقاید تا سر حد یک عامی امی تنزل یافته است».

دینانی در مقاله خود که با عنوان «سطحی نگری ابن تیمیه مانع فهم او می‌شود» نوشته شده اضافه می‌کند که ابن تیمیه «در عین اینکه از جواز رویت حق علا و نقلا به شدت دفاع می‌کند، همواره می‌کوشد که از قول به جسمانیت حق تا آنجا که ممکن است احتراز نماید و این همان چیزی است که موجب می‌شود در سخن او نوعی اضطراب و ناسازگاری پدید آید. ابن تیمیه از سویی حاضر نیست به جسمانی بودن حق تبارک و تعالی اعتراف نماید و از سوی دیگر می‌کوشد که در جهت بودن وجود حق را به عنوان یک موجود مرئی، عقلا توجیه نماید».

*مقاله فوق‌الذکر در صفحه ۹۰ از شماره ۳۷ نشریه مهرنامه منتشر شده است.